

نواخته‌های محمود تبریزی زاده



مرکز موسیقی بتهوون شیراز

نگارش و آوانویسی:

چکاد فشارکی

سرشناسه: تبریزی زاده، محمود، ۱۳۳۰-۱۳۷۶
عنوان و پدید آور: نواخته‌های محمود تبریزی زاده/ نگارش و آوا نویسی چکاد فشارکی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات موسیقی عارف، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۵۰ ص؛ ۲۲ × ۲۹ س م.
شابک: ۹۷۹-۰۸۰-۲۶۳۳-۰۶-۳
موضوع: موسیقی برای کمانچه - پارتیسیون
موضوع: kamanche music- Scores and parts
شناسه افزوده: فشارکی، چکاد، ۱۳۶۸-
رده بندی کنگره: MT۳۳۵
رده بندی دیویی: ۷۸۹/۷۵
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۲۴۰۱



انتشارات موسیقی عارف

 arefmusicshop

 arefmusic.sn

 www.aref.ir

تهران، خیابان جمهوری، نرسیده به میدان بهارستان، کوچه محمودی، پلاک ۳، طبقه اول

کد پستی: ۱۱۴۳۹۶۳۳۱۴

فکس: ۳۳۹۱۴۳۱۴

تلفن: ۳۳۹۷۶۴۲۰-۳۱

نواخته های

محمود تبریزی زاده

نت نویسی رایانه‌ای: چکاد فشارکی، بهار سپاسی

طراح جلد: فرناز معصوم زاده

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۹

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

مقدمه.....	۵
مصاحبه با استاد داریوش طلایی.....	۸
مروری بر قطعات این کتاب.....	۱۲
معرفی علائم نت نگاری.....	۱۷
پیش درآمد ماهور.....	۲۱
ضربی نوایی.....	۲۴
ضربی دلکش.....	۲۷
تصنیف ز من نگارم.....	۲۹
رنگ ماهور.....	۳۱
پیش درآمد ابوعطا.....	۳۳
ضربی سیخی ابوعطا.....	۳۷
ضربی حجاز.....	۴۰
تصنیف بهار دلکش.....	۴۴
ضربی چهارپاره.....	۴۶
رنگ ابوعطا.....	۴۷

دوازده ساله بودم که به ساز کمانچه علاقه‌مند شدم. در آن زمان، نوار کاستی به دستم رسید با نام /ینک /انسان که موسیقی فیلم آخرین وسوسه‌ی مسیح بود. پتر گابریل به عنوان آهنگساز، از موسیقی فرهنگ‌های مختلف بهره گرفته بود. یکی از قطعات این مجموعه، پیش‌درآمد چهارگاه یوسف فروتن بود که محمود تبریزی‌زاده با کمانچه و جمشید شمیرانی با تمبک اجرا کرده بودند. سُنورِیته و لحن ویژه‌ای که کمانچه‌ی تبریزی‌زاده در این اجرا داشت تا سالها در ذهنم باقی مانده بود. در سالهایی که دسترسی به شبکه‌ی اینترنت هنوز فراگیر نشده بود، محمود تبریزی‌زاده برایم نامی مرموز باقی مانده بود و به غیر از این قطعه، هیچ اطلاع دیگری از زندگی و آثار دیگرش نداشتم. سالهای بعد که دسترسی به اینترنت فراگیرتر شد، فیلمی از یکی از کنسرت‌هایش در سایت یوتیوب دیدم. این کنسرت در دهه‌ی نود میلادی در شهر دوشنبه در کشور تاجیکستان اجرا شده بود. اعضای دیگر این گروه (محمدرضا شجریان، رضا قاسمی، مجید خلیج) بودند. این اجرا در آواز بیات ترک بود و در کوکی نواخته شده بود که چالشهای زیادی در انگشت‌گذاری روی کمانچه داشت. (بیات ترک دو از کوک دو، سل، دو، سل) ولی ایشان به خوبی از عهده‌ی این امر برآمدند. اوایل تحصیل در دانشگاه بود که آلبومی از محمود تبریزی‌زاده به دستم رسید که در ابوعطا و ماهور نواخته شده بود و جمشید شمیرانی با تنبک آن را همراهی می‌کرد. کم‌کم تصویر ناشناخته‌ای که از این کمانچه‌نواز و سبک و سیاق نوازندگی‌اش داشتم، شکل روشن‌تری به خود گرفت. او در سال ۱۳۳۰ در ایران به دنیا آمده بود و در سال ۱۳۷۶ در پاریس در سن ۴۶ سالگی در اثر بیماری لاعلاجی درگذشت. سکونت او در پاریس و مهمتر از آن مرگ زود هنگامش، مجال فعالیت بیشتر و مطرح شدنش را میسر نساخت.

لحن و بیانی که محمود تبریزی‌زاده داشت با کمانچه نوازان هم‌نسلاش متفاوت بود. فکر می‌کنم این مرگ زود هنگام مسیر کمانچه نوازی را تا حدودی تغییر داد و کمانچه از یکی از رنگهایی که می‌توانست داشته باشد محروم شد. او در نوازندگی‌اش لحن و شیوه‌ی بیان شخصی خود را داشت و به کارگان موسیقی کلاسیک ایرانی

تسلط پیدا کرده بود. مهاجرت استاد داریوش طلایی به پاریس در دهه‌ی نود میلادی نقطه‌ی عطفی در زندگی هنری ایشان بود و اگر این آشنایی بوجود نمی‌آمد ایشان احتمالاً کمانچه‌نواز نمی‌شدند. جزییات بیشتری از زندگی و نوازندگی ایشان در قالب مصاحبه‌ای که با استادشان جناب آقای داریوش طلایی داشتم، پس از این مقدمه آورده شده است. از ایشان به خاطر وقتی که برای این مصاحبه در اختیارم قرار دادند سپاسگزارم.

نکاتی پیرامون نت نگاری این کتاب

چند سالی است کمبود کارگان مکتوب قطعات موسیقی کلاسیک دستگاهی که برای کمانچه تنظیم شده باشد، تبدیل به دغدغه‌ای شخصی شده است. برای اینکه سهمی در رفع این کمبود داشته باشم در اولین قدم سراغ کمانچه‌نوازی خیره اما کمتر شناخته شده رفتم تا با نت‌نگاری آثارش قدمی کوچک برای تقویت کارگان مکتوب کمانچه برداشته باشم. کتاب پیش رو آوانگاری دوازده قطعه از نواخته‌های محمود تبریزی زاده است. هدفم این بود که این کتاب به قطعات ضربی اختصاص داشته باشد. قطعات دیگری هم از ایشان پیدا کرده بودم ولی هیچ کدام از آنها تک نوازی نبودند. برخی از آنها با همراهی سه تار رضاقاسمی بود و برخی دیگر قطعاتی بودند که با همراهی نوازنده‌های ارمنی یا ترک اجرا شده بودند و در نتیجه از آوانگاری آنها صرف نظر کردم. قطعات این کتاب در دستگاه ماهور و چهارگاه و آواز ابوعطا است. کوک ساز در چهارگاه و ابوعطا (دو، سل، دو، سل) و کوک ماهور (دو، سل، دو، فا) است. نسخه‌ی صوتی این قطعات در دسترس است و در بخش مراجع صوتی این کتاب به آنها اشاره کردم.

نت‌نگاری ساز کمانچه امروزه به دو شیوه انجام می‌گیرد. شیوه‌ی نخست بر اساس کوک و نت‌نگاری ویلن و شیوه‌ی دوم بر اساس تطبیق با سازهایی نظیر تار و سه تار است. برای نت‌نگاری این کتاب، من شیوه‌ی دوم را انتخاب کردم.

در نت‌نگاری این کتاب از برخی از علامتهایی که استاد داریوش طلایی در کتاب *تحلیل ردیف* ابداع کرده بودند، استفاده کرده‌ام. علامتهایی نظیر (اشاره، دراب، کمان) از کتاب ایشان اقتباس شده‌است که در ادامه به شرح همه‌ی علائم خواهیم پرداخت.

از استادم جناب آقای رضا پرویززاده که صمیمانه و با سخاوت و دقت زیاد در تطبیق آوانگاری‌هایم با نمونه‌ی صوتی و تصحیح خط‌هایم راهنمای من بودند تشکر کنم. بدون شک بدون راهنمایی‌های ایشان این کتاب به سرانجام نمی‌رسید.

مصاحبه با استاد داریوش طلایی درباره‌ی آقای محمود تبریزی‌زاده و کمانچه نوازی او

این مصاحبه در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ انجام شد.

از دوران نوجوانی محمود تبریزی‌زاده اطلاعی در دست دارید؟

پدر آقای تبریزی‌زاده در نوجوانی ایشان را به ترکیه فرستاده بود و ایشان دوران نوجوانی را در ترکیه طی کرده بود و به زبان ترکی استانبولی مسلط شده‌بود و در آنجا شغلی به جز موسیقی داشت. روزگار، ایشان را به اروپا می‌کشاند. البته تا جایی که من مطلع‌م، مهاجرت ایشان به ترکیه به نیت ادامه‌ی تحصیل نبوده‌است. ایشان خواهر و برادری هم داشتند که عاقبت ساکن آمریکا شدند.

پیشینه‌ی آشنایی شما با محمود تبریزی‌زاده چگونه بود؟

من در پاریس با ایشان آشنا شدم. حدود سال ۱۹۸۰ میلادی برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس رفته بودم. در پاریس به واسطه‌ی موقعیتی که داشتم و قبلاً از من صفحه منتشر شده‌بود و شناخته شده‌بودم، کنسرت و کلاس برگزار می‌کردم. قبل از رفتن من به پاریس، موسیقی ایرانی در آنجا یک جنبه‌ی کوچه بازاری و اجرای موسیقی در رستوران داشت. به جز آقای جمشید شمیرانی که از سالهای قبل با خانواده‌ی فرانسوی‌شان ساکن پاریس بودند و همزمان با سفر من به پاریس، ایشان به جنوب فرانسه نقل مکان کردند، نوازنده‌ی جدی دیگری در پاریس حضور نداشت. در اروپا و خصوصاً در پاریس، نوازندگانی هستند که در کافه‌ها و رستورانهای سنتی برای ایجاد آمبیانس (موسیقی پس‌زمینه) موسیقی زنده‌ی آن کشور را می‌نوازند. این مسأله مختص ایران نیست. یک

رستوران گلستان در پاریس بود که تعدادی از نوازندگان ایرانی در آنجا ساز می‌زدند. محمود تبریزی زاده موسیقی دان جدی‌ای محسوب نمی‌شد. به صورت تفننی سنتور و ویلن می‌نواخت و با نوازنده‌ی دیگری به نام علی شایگان که تار می‌زد و همین جنس موسیقی را اجرا می‌کرد، همکاری و اجراهایی داشت. رفتن من به پاریس باعث شکل گیری فضایی شد که موسیقی جدی ایرانی در آنجا مطرح شود و حتی تقابلی با آن موسیقی کافه‌ای و باری به هر جهت شکل بگیرد. در آن سالها برای جوامع ناآشنا با موسیقی ایرانی، خیلی راحت می‌شد هر چیزی را به عنوان موسیقی کلاسیک ایرانی ارائه داد. موسیقی ایرانی برای فرنگی‌ها جنبه‌ی/گزوتیک داشت.

ایشان از چه سالی برای آموزش موسیقی ایرانی نزد شما آمدند؟

در سال ۱۹۸۱ آقای محمود تبریزی زاده برای نام‌نویسی در کلاسهای سه تار، نزد من آمد. در فرانسه، ایشان با خانمی از خانواده‌ی بسیار فرهنگی و فرهیخته وصلت می‌کند و همین امر باعث جهش و رشد ایشان به سمت فعالیت‌های جدی هنری می‌شود و برای فاصله گرفتن از فضای موسیقی خالتوری و شروع کار جدی موسیقی نزد من آمد و در کلاس سه تار من ثبت نام کرد. البته من ایشان را از قبل می‌شناختم و نوازندگی‌اش را دیده بودم و می‌دانستم با استعداد است. من ایشان را به دلیل اینکه قبلاً ویلن می‌نواخت، تشویق به نواختن کمانچه کردم و رپرتوار موسیقی ایرانی با حالتهای درست را به ایشان تفهیم کردم. همسر ایشان به فرهنگ و زبان و ادبیات فرانسه بسیار مسلط بود و در زبان فرانسه و ویراستاری متون به من کمک می‌کرد و این تعامل، باعث شکل گیری همکاری و دوستی خانوادگی بین ما شد.

ایشان کمانچه خود را چگونه تهیه کردند؟

ایشان یک کمانچه‌ی معمولی تهیه کرد و چون استعداد کارهای دستی هم داشت، ابزار ساخت ساز را خودش تهیه کرد و کمانچه‌ای که با آن اجرا می‌کرد را خودش ساخته بود.

آیا آموزش ایشان نزد شما به همکاری مشترک کنسرتی هم منتهی شد؟

حدود سال ۱۹۸۳ میلادی به همراه جمشید شمیرانی در فستیوال اوینیون در جنوب فرانسه برنامه‌ای داشتیم. وقتی از پاریس عازم اوینیون شدیم، آقای تبریزی زاده و همسرشان من را همراهی کردند. اکثر فستیوالها در فصل تابستان برگزار می‌شد. من به ایشان گفتم کمانچه‌ات را همراه خودت بیاور و در اجراها، ما را همراهی کن. به این صورت یک نقشی به او دادم و همکاری صحنه‌ای ما از آن تاریخ شروع شد. ایشان حضورش روی صحنه‌ی کنسرت بسیار جلب توجه می‌کرد و شخصیت کاریزماتیکي داشت. با جامعه‌ی غربی خیلی خوب ارتباط برقرار می‌کرد و

روابط عمومی خوبی داشت. البته او همیشه احترام استاد شاگردی را به جا می‌آورد و حالت وفادارانه و قدرشناسانه ای به من داشت. ما به صورت یک تریو درآمدیم. تعدادی از این اجراها در سالن تئاتر شهر پاریس بود. نمونه‌های صوتی از اجراهای مشترکمان باقی مانده که شاید در آینده آن را منتشر کنم. آثاری اجرا کردیم که من از استادانم نظیر یوسف فروتن و دیگران و رپرتوارهای قدیمی آموخته بودم. برای نمونه همایون و شور و چهارگاه رکن‌الدین خان را اجرا کردیم.

آیا ایشان به جز تریویی که با شما و آقای جمشید شمیرانی داشتند، فعالیت اجرایی دیگری هم داشتند؟

پیتر بروک کارگردان شناخته شده‌ی تئاتر بود که سبک خاصی در تئاتر داشت و بر روی موضوعات اساطیری و گاه عرفانی کار می‌کرد. برای مثال روی منطق‌الطیر کار کرده بود و در جشن هنر شیراز به ایران آمده بود و به تعزیه علاقه‌مند شده بود و از آن ایده گرفته بود. کارهایش دکور خاصی نداشت. در فرهنگ هندوستان یک اسطوره‌ای وجود دارد با نام *مهابراتا* که پیرامون افسانه‌ی انسان است. پیتر بروک در فکر تنظیم نمایشی بود بر اساس این افسانه. کارهای او همیشه تجربی بود یعنی در حین انجام کار و تمرین‌ها، شکل می‌گرفت و تکمیل می‌شد. پیتر بروک در کارهایش فضایی به وجود می‌آورد که خیلی از مرزها را می‌شکست. مثلاً با اینکه روی اسطوره‌ی هندی مهابراتا کار می‌کرد ولی بازیگرانی از کشورهای ژاپن و کشورهای آفریقایی در آن نقش ایفا می‌کردند. من برای موسیقی آن کار، آقای تبریزی‌زاده و آقای شمیرانی و یکی از شاگردان دانمارکی خود که سازهای بادی می‌زد را معرفی کردم. این پروژه اینگونه آغاز شد ولی تبدیل به پروژه‌ای عظیم و تمام وقت شد که ده سال طول کشید و سه قسمت سه ساعته داشت که در اوینون هم اجرا شد. این پروژه باعث نوعی جدایی در ما شد و در تداوم کار ما وقفه انداخت. در این اجرا آقای تبریزی‌زاده بسیار خوب ظاهر شد و بعدها پیتر بروک برای موسیقی‌های دیگر نمایش‌هایش نیز از او استفاده کرد و حتی نقش‌های کوچک دیگری هم به او داد. پروژه‌ی تئاتر پیتر بروک رو به اتمام بود و می‌خواستیم اجراهایمان را دوباره آغاز کنیم. در تدارک تور کنسرت بسیار مفصلی با آقای محمدرضا شجریان و آقای تبریزی‌زاده بودیم. قرار بود بیش از چهل شب اجرا داشته باشیم. من برای سفری به ایران آمده بودم که به من خبر دادند ایشان بیمار شده‌است و بیماریش خیلی سریع پیشرفت کرد و باعث فوت ایشان شد و ما مجبور شدیم تعدادی از اجراها را لغو کنیم و برای اجراهایی که امکان لغو آنها نبود آقای شجریان، آقای سعید فرج‌پوری را پیشنهاد دادند که آلبوم شب وصل نتیجه‌ی آن همکاری است.

ایشان آلبومی دارند به همراه تمبک جمشید شمیرانی که در دستگاه ماهور و آواز بوعطا اجرا شده است. درباره‌ی چگونگی ضبط این آلبوم چه می‌دانید؟

ایشان روی این آلبوم کار می‌کردند و شرکتی به نام *ALSUR* آن را منتشر کرده بود و یکی از چیزهایی که در ساز ایشان خیلی خوب جا افتاده بود آواز ابوعطا بود. همان‌طور که گفتم ایشان تسلطی بر رپرتوار جدی موسیقی ایرانی نداشت و رپرتوار موسیقی ایرانی را من به ایشان یاد دادم. قسمت ماهور این کار را با من کار کرده بود. من همیشه به ایشان توصیه می‌کردم و البته الان هم به کمانچه‌نوازان توصیه می‌کنم که روی کمانچه‌نوازی آقای علی اصغر بهاری کار کنند و سعی کنند آن را بفهمند. ایشان از یک زمان به بعد متوجه شد که باید روی کمانچه‌نوازی استاد بهاری کار کند و فکر می‌کنم از آنجا هم زیاد استفاده کرد. چون ما در کمانچه مرجع آنچنانی نداشتیم.

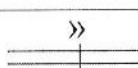
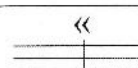
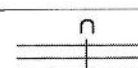
پس باقرخان و حسین خان اسماعیل زاده چی؟

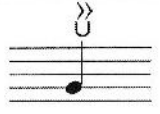
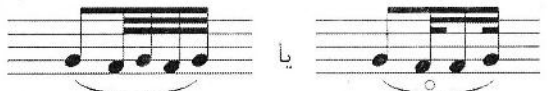
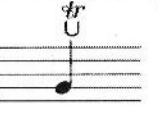
آن زمان خیلی مطرح نبودند؛ الان بیشتر مطرح شده‌اند.

در پایان اگر مطلبی پیرامون محمود تبریزی‌زاده به ذهنتان می‌رسد بفرمایید.

آدم هر وقت یاد محمود تبریزی‌زاده می‌افته به این فکر می‌کنه که سرنوشت چه بازی‌هایی دارد. ایشان چه سیری را طی کرد و رشد کرد و در شروع شکوفایی هنریش جهان را ترک کرد و به قول آقای محمدرضا شجریان پرپر شد. شاید اگر این اتفاق نمی‌افتاد داستان کمانچه می‌توانست شکل دیگری به خود بگیرد. همین چند اثر صوتی از ایشان باقی مانده که بیانگر استعداد اوست. او موسیقی خوب و سنوریت‌هی خوب را می‌فهمید. در روابط اجتماعی و یادگیری زبان و نوازندگی بسیار استعداد داشت. زندگی را راحت می‌گرفت و برای خودش دغدغه درست نمی‌کرد و کارهایی که به دلش می‌نشست با تمام وجود انجام می‌داد.

متشکرم از وقتی که در اختیار من قرار دادید.

علائم	نحوه‌ی نگارش	نحوه‌ی اجرا و توضیحات	پنجه / آرشه
۱ آرشه‌ی راست			آرشه
۲ آرشه‌ی چپ			آرشه
۳ دراب		 اجرای سه نت متوالی عمدتاً با آرشه‌های (چپ، راست، چپ) و گاهی (راست، چپ، راست) به صورتی که دو نت اول سریع و به صورت تزیین نواخته شده و نت سوم، نت اصلی باشد.	آرشه
۴ استکاتو		اجرا به صورت مقطع	آرشه
۵ تنوتو		وقتی چند نت همنام در یک آرشه باشند، با استفاده از تنوتو به اهمیت تفکیک آنها یادآوری می‌شود.	آرشه
۶ اشاره به نت زیر		 یا اتصال نت اصلی به نت یک درجه زیرتر که بدون تعویض آرشه نواخته شود. زمان بندی دقیق اشاره، به سرعت قطعه بستگی دارد. در تندی تند معمولاً حالت سمت راست و در تندی آهسته حالت سمت چپ استفاده می‌شود.	پنجه
۷ اشاره به نت بم		 یا اتصال نت اصلی به نت یک درجه بم‌تر که بدون تعویض آرشه نواخته شود. زمان بندی دقیق اشاره به سرعت قطعه بستگی دارد. در تندی تند معمولاً حالت سمت راست و در تندی آهسته حالت سمت چپ استفاده می‌شود.	پنجه
۸ اشاره به نت پایین و بالا (کمان) یا (گزش وارونه)		 اتصال نت اصلی به نت یک درجه بم‌تر و بازگشت به نت اصلی. این سه نت باید در یک آرشه نواخته شوند.	پنجه
۹ اشاره به نت بالا و پایین (کمان)			پنجه

	اتصال نت اصلی به نت یک درجه زیرتر و بازگشت به نت اصلی. این سه نت باید در یک آرشه نواخته شوند.		معکوس (یا گزش)	
پنجه	 کمان و اشاره به نت زیر می توانند باهم ترکیب شوند.		۱۰ کمان و اشاره به نت زیر	
پنجه	 کمان و اشاره به نت بم می توانند با هم ترکیب شوند.		۱۱ کمان و اشاره به نت بم	
پنجه	 تناوب نت اصلی و نت زیرتر از خودش		۱۲ تریل	
پنجه	 چگونگی انتخاب یکی از این دو حالت به سرعت قطعه بستگی دارد. معمولاً در تندای آهسته حالت سمت راست و در تندای تند حالت سمت چپ انتخاب می شود.		۱۳ تریل (حالتی دیگر)	
پنجه	 ترکیب تکنیک کمان یا گزش وارونه با تریل که در ساز حسین خان اسماعیل زاده زیاد دیده می شود.		۱۴ غلت زیر و رو	

تصنیف بہار دلکش

درویش خان

♩ = 47

5

9

14

18

22

26

30

34

8

چکاد فشارکی
(۱۳۶۸ اصفهان)

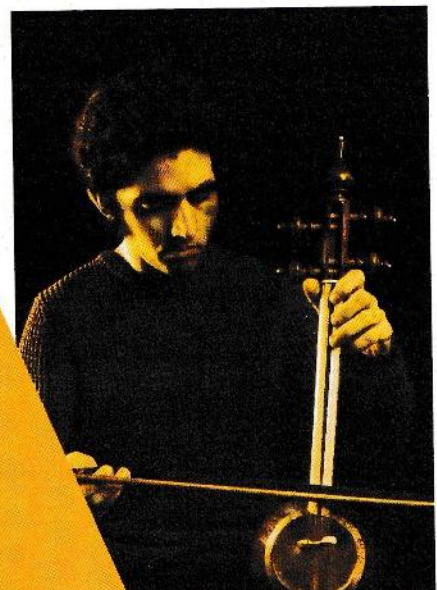
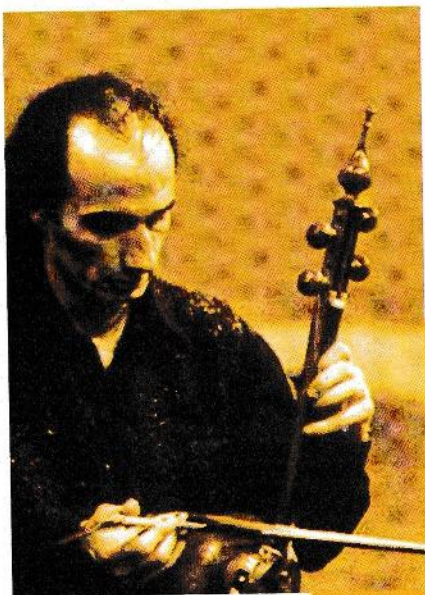
محمود تبریزی زاده
(۱۳۳۰ اصفهان، ۱۳۷۶ پاریس)



مرکز موسیقی بتهوون شیراز

در کودکی آموختن موسیقی را نزد پدرش آغاز کرد و با سازهای ویلن و سنتور آشنایی پیدا کرد. در جوانی به ترکیه و سپس فرانسه مهاجرت می‌کند. در پاریس با تشویق استاد داریوش طلایی شروع به فراگیری کمانچه می‌کند. همکاری در قالب یک تریو با داریوش طلایی و جمشید شمیرانی، همکاری با گروه مشتاق، همکاری با هنرمندان دیگر کشورها همچون قدسی ارگونر، نی‌نواز ترک، همکاری با پیتر بروک، کارگردان تئاتر، و یک آلبوم دونوازی کمانچه و تمبک با همراهی جمشید شمیرانی بخشی از فعالیت‌های موسیقی ایشان بود.

در هنرستان موسیقی اصفهان فراگیری ساز کمانچه را نزد محمد امینی و کاوه معتمدیان آغاز کرد و تحصیلات خود در رشته نوازندگی موسیقی ایرانی را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه داد و از آموزش‌های سعید فرج پوری (به مدت یک سال) و رضا پرویززاده (به مدت هشت سال) بهره گرفت. رتبه نخست نوازندگی کمانچه در هفتمین و هشتمین جشنواره موسیقی جوان در گروه سنی ج در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ و رتبه سوم نوازندگی کمانچه در ششمین جشنواره ی موسیقی جوان در سال ۱۳۸۶ و همکاری با گروه‌های مختلف در قالب برگزاری کنسرت یا ضبط آلبوم در کارنامه دارد. از چکاد فشارکی یک آلبوم تک نوازی کمانچه با نام «برف گنج» منتشر شده است.



انتشارات موسیقی عارف